گزارش

آزادسازی یا آوارسازی قیمت‌ها!

امید علی بابایی
فعال رسانه

امروزه بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط، شاکله اصلی نظام تولید در کشورهای پیشرفته را شکل می‌دهند درحالی‌که در ایران همیشه و فقط از بزرگترین بنگاه‌های اقتصادی حمایت می‌شود و حرف، حرف آنهاست. تبعات این‌گونه رفتارها، کاهش کیفیت محصولات تولیدشده و وارداتی، افزایش نارضایتی مصرف‌کنندگان، انحصار شدید در فرآیند تولید تا توزیع بسیاری از کالاها، عدم اقبال به استفاده از کالاهای ایرانی و افزایش قاچاق بوده و جالب است که وقتی اسامی ابربدهکاران بانکی منتشر می‌شود نام برخی انحصارگران و صاحبان بنگاه‌های تولیدی بزرگ هم در بالای لیست دیده می‌شود. بسیاری از این انحصارگران و بنگاه‌های اقتصادی بزرگ (که خودِ دولت سهامدار عمده برخی از آنهاست) مدت‌هاست که مصرانه تنها راه ادامه حیات خود را آزادسازی قیمت‌ها عنوان می‌کنند و از قضا دولت چهاردهم هم بنا به برخی دلایل قصد همکاری با آنان در آزادسازی قیمت‌ها را دارد. آزادسازی قیمت در فضایی امکان انجام دارد که اقتصادش فعال و بدون انحصار باشد؛ در ایران که قوانین دست‌وپاگیر باعث ایجاد رانت می‌شوند و از طرف دیگر بسیاری از وام‌ها و حمایت‌های کارساز در اختیار انحصارگران قرار می‌گیرند، آزادسازی قیمت‌ها بدین شکل که فقط عرضه‌وتقاضا تعیین‌کننده قیمت باشد یعنی آوارکردن قیمت‌ها بر سر مردم!

آشکار است که انحصارگران با اخلال در عرضه کالاهای اساسی و غیراساسی می‌توانند به تهییج مصرف‌کنندگان و بازی روانی برای افزایش تقاضا بپردازند و بدین صورت تورمی بیشتر از قبل را به سبد خانوار تحمیل کنند. در این بین، دولت برای اثبات حسن‌نیت باید فضا را برای مشارکت بیشتر و جدی‌تر بنگاه‌های کوچک و متوسط در عرصه تجارت مهیا کند و با حمایت بیشتر از آنان بتواند مسیر هموارتری پیش روی آنان قرار دهد. از طرف دیگر اگر دولت می‌خواهد به هر دلیلی از جمله کسری بودجه، عدم امکان نظارت کافی و... تنظیم قیمت‌ها را به روند قابل دستکاری و بازی‌گونه عرضه و تقاضا ربط دهد، باید شرایط عرض اندام برای تولیدکنندگان کوچک و متوسط (بجز بنگاه‌های اقتصادی بزرگ) را فراهم کند؛ این‌گونه خودِ تولیدکنندگان با برابری معقول‌تری به رقابت با یکدیگر می‌پردازند و حتی اتحادیه‌ها و اصناف می‌توانند به‌تنهایی نقش نظارتی دقیقی بر زیرمجموعه خود داشته باشند.

یکی از راه‌های پشتیبانی از بنگاه‌های کوچک و متوسط این است که همانطور که دولت می‌خواهد با حذف یارانه دهک‌های بالای جامعه، پشتیبانی بهتری از دهک‌های پایین داشته باشد، به‌جای اینکه انبوه سرمایه و وام‌ها را در اختیار معدود بنگاه‌های دهک‌های بالا قرار دهد، باید به توزیع این سرمایه‌ها بین تولیدکنندگان دهک‌های پایین بپردازد چون در شرایط فعلی و با این حجم از انحصار در همه زمینه‌ها، برخی از انحصارگران به چنان قدرتی رسیده‌اند که با اعمال نفوذ به دنبال تاثیرگذاری مستقیم بر قانون‌گذاران هستند یا به خاطر ثروت کلان، تولیدات و واردات خود، عرضه کالاها را وجه‌المصالحه رفتارهای خلاف قانون در مذاکره با دولتمردان قرار می‌دهند. بدون تعارف، اگر قرار بر ادامه همین روند غلط و حمایت از بنگاه‌های بزرگ باشد، در ازای حمایت‌ها و کمک‌های مالی که به آنان می‌شود باید آنان را مجبور به تحقیق‌وتوسعه کرد که بعد از چند سال شاید اگر آن بنگاه بزرگ، واقعا در مسیر ارائه کالا یا خدمت به مردم حرکت کرده باشد، بتواند اول از همه کالا و خدمتی باکیفیت در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهد و سپس سازمان درونی خود را هم بهینه‌تر کرده باشد. در کنار این موارد باید بعد از مدتی عملکرد این بنگاه‌های بزرگ و اجرایی شدن طرح‌های توسعه‌ای آنها (که با ارائه آن طرح‌ها از کمک و وام بهره‌مند می‌شوند) بررسی شود و اگر طرح‌ها به سرانجام نرسیده‌اند با شرکت‌های متخلف برخورد شود وگرنه هر سال عمق فاجعه بیشتر خواهد شد؛ همانطور که مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی گفته بود دولت در قانون بودجه ۱۴۰۱ پیش‌بینی کرده بود ۷۷۲۰ میلیارد تومان کمک زیان به شرکت‌های دولتی بپردازد ولی در نهایت مجبور به پرداخت ۱۳۷,۳۲۹ میلیارد تومان کمک زیان به این شرکت‌ها شد. ادامه همین رفتار نادرست است که باعث خواهد شد این قصه با اسم رمز آزادسازی قیمت‌ها و به بهانه بهبود روند عرضه‌وتقاضا ادامه یابد و مصیبت‌های بیشتری بر سر مردم و اقتصاد ایران آوار شود.

عبدالرضا داوری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

پزشکیان دودستی کشور را تحویل تیم جلیلی دهد

آرمان ملی: گفت‌وگوهای ایران و اروپا بر سر پرونده هسته‌ای ادامه دارد و ظاهراً ایران آخرین پیشنهاد خود را به اروپایی‌ها داده است، اما آن سوی ماجرا مسأله کمی فرق دارد. به‌رغم اینکه ایران و آژانس در مصر توافق «قاهره» را به امضا رسانده‌اند تا تهران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ارتباط با بازرسی از تأسیسات هسته‌ای ایران گفت‌وگو کنند، اما در اروپا بیشتر به صداهای غیررسمی توجه می‌کنند. به‌طوری که به‌رغم اینکه عراقچی با گروسی توافق کرده و به‌رغم اینکه ایران به‌صورت رسمی بسته‌ای را که عراقچی آن را عادلانه دانسته به اروپایی‌ها پیشنهاد داده، در مقابل امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه، اعلام کرده است که به احتمال زیاد مکانیسم ماشه اجرایی خواهد شد. به نظر می‌رسد در اروپا، با وجود گفت‌وگوهای دیپلماتیک با ایرانی‌ها، براساس گفته برخی نمایندگان مجلس که خواستار گفت‌وگو و حل‌وفصل مسأله نیستند، تصمیم‌گیری شده است و احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه علیه ایران وجود دارد. برای بررسی شرایط حساس کشور، گفت‌وگویی با عبدالرضا داوری، فعال سیاسی و رسانه‌ای، انجام داده‌ایم. او معتقد است که اروپایی‌ها صداهای غیررسمی و مواضع برخی تندروها را در ایران، به‌رغم مواضع متعادل و مناسب عباس عراقچی، در نظر گرفته‌اند و از این رو احتمالاً قصد دارند مکانیسم ماشه را فعال کنند.

آقای داوری، عباس عراقچی اخیراً موضعی را در رسانه‌ها مطرح کرده که از آن می‌توان این برداشت را داشت که احتمالا اروپایی‌ها وزیر خارجه را نماینده رسمی ایران در مذاکرات نمی‌دانند. چرا عراقچی باید این مورد را رسانه‌ای کند؟

اگرچه مکرون اعلام کرده که پیشنهاد آقای عراقچی قابل توجه بوده، اما احتمالاً بر روی این پیشنهاد در درون ایران اجماعی وجود ندارد.

مگر می‌شود عراقچی وزیر خارجه پیشنهادی بدهد و بر روی آن پیشنهاد اجماع نباشد؟

بله، چرا نمی‌شود؟ آقای امیرحسین ثابتی اعلام کرده که آقای نبویان یک تنه ابقای برجام در دولت مرحوم رئیسی را منتفی کرد یا اینکه ادعا شده که با فلان توئیت و پیگیری‌ها توافق با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مختل شده است. از این رو طرف مقابل نمی‌داند که در ایران با چه کسی طرف است. ما باید خودمان را جای طرف مقابل بگذاریم. طرف مقابل مشاهده می‌کند که یک نماینده مجلس توانسته است تصمیم یک رئیس جمهور را برهم بزند. خب؛ این مورد نشان می‌دهد که از نظر آنها در ایران، مناسبات قدرت به گونه‌ای است که حرف آخر مشخص نیست. یعنی طرف مقابل نمی‌داند که با شورای عالی امنیت ملی ایران طرف است یا با مجلس یا با دولت؟ چون هر کدام حرف خود را می‌زنند و در اکثر موارد، امور همدیگر را مختل می‌کنند. در چنین ساختار پرتنشی، آیا اروپایی‌ها به دنبال توافق با ایران خواهند بود؟

یعنی طرف مقابل فکر می‌کند عده‌ای در داخل نمی‌خواهند مسائل حل شود؟

تعارضات در ساختار قدرت در ایران به گونه‌ای است که نمی‌توان تصمیمات بزرگ گرفت. تصمیمات بزرگ نیازمند اجماع است و اکنون امکان ایجاد اجماع وجود ندارد. آقای کشاورززاده سفیر ایران چند روز قبل در توئیتی اعلام کرد که از جمله دلایل پیشرفت چین این است که مجلس آن سالی یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. ایران مانند چین نیست. هر روز یک فرد، نماینده‌ای، آن فرماندار و یا این فرمانده و... حرفی می‌زنند که تمام تصمیمات و راهبردهای کشور را تحت‌تأثیر قرار دهد.

با وجود چنین وضعیتی آیا از نظر شما احتمال اینکه مسائل حل شده و اسنپ بک علیه کشورمان اجرایی نشود، وجود دارد؟

بله، می‌توان گفت شرایط بسیار پیچیده است، چراکه در ایران امکان اخذ تصمیمات بزرگ وجود ندارد. طرف مقابل نمی‌داند که باید با چه کسی صحبت کند، با چه شخصی طرف است یا با کدام نهاد طرف است. بالاخره اگر قرار است آقای عراقچی پیشانی نظام برای فعالیت‌های دیپلماتیک باشد، نباید در رسانه ملی به دعوت آقای جبلی؛ خانم سحر امامی در برابر او قرار گیرد. به نظر من، سحر امامی در گفت‌وگو با آقای عراقچی مانند یک بازجو عراقچی را بازخواست کرد. ما فکر می‌کنیم که این صحنه‌ها مورد توجه اروپایی‌ها قرار نمی‌گیرد؟ آنها لحظه به لحظه تحولات و نظرات مختلف در ایران را بررسی می‌کنند. واقعاً در کدام رسانه جهان با وزیر خارجه چنین برخوردی می‌شود؟ آیا فکر نمی‌کنیم که اروپایی‌ها با دیدن این تصاویر، عراقچی را لولوی سر خرمن می‌دانند؟ اگر در این وضعیت تغییری رخ ندهد، سخت می‌توان به حل موضوع امیدوار بود. مسأله از منظر من از داخل نشأت می‌گیرد. زمانی که چندصدایی در ایران حاکم باشد، بدون تردید طرف مقابل نیز این چندصدایی را دریافت کرده و این‌گونه برداشت می‌کند که ایرانی‌ها قصد توافق ندارند، حال آنکه موضع رسمی ایران ادامه مذاکره برای رسیدن به توافق است.

> طرف مقابل نمی‌داند که در ایران با چه کسی طرف است. ما باید خودمان را جای طرف مقابل بگذاریم. طرف مقابل مشاهده می‌کند که یک نماینده مجلس توانسته است تصمیم یک رئیس جمهور را برهم بزند

البته برخی در درون کشور اروپا را اهل مذاکره ندانسته و اعلام می‌کنند که اساسا قرار نیست مذاکره‌ای صورت بگیرد و اروپایی‌ها اکنون در حال اجرای سیاست‌های آمریکا برای کشاندن پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند.

این نظر از سوی تندروها در درون ایران شنیده می‌شود. موضع از نظر من بسیار روشن است. برجام تنها توافق هسته‌ای نیست. بر اساس آن (در فرامتن) قرار بوده ایران از موقعیت یک کشوری که نظم حاکم بر جهان را قبول ندارد، خارج و به کشوری در چارچوب نظم جهانی تبدیل شود. این در حالی است که ایران به هیچ وجه حتی در پسابرجام نیز نظم کنونی بر جهان را نپذیرفته است. همان روزی که برجام امضا شد، در ایران آزمایش نظامی صورت گرفت و شعار خاصی با هدف خاصی نوشته شده بود. لذا مسأله همان طور که برخی در ایران می‌گویند، مسأله موضع هسته‌ای و فعالیت هسته‌ای ایران نیست. برداشت آنها این است که ایران بنا ندارد با توجه به نوع نگاه‌ها در ایران، نظم حاکم بر جهان را بپذیرد. زمانی که آنها این برداشت را از ایران دارند، دیگر برجامی وجود ندارد و مکانیسم ماشه را هم در نظر دارند. اساس و هدف مذاکرات سازگاری ایران با نظم جهانی است وگرنه آن روز که تصمیم گرفتند به تأسیسات هسته‌ای ایران ضربه بزنند، آن تصمیم را اجرا کردند.

تا چه زمانی این وضعیت ادامه خواهد داشت و سایه تحریم‌ها بر دوش ایران خواهد بود؟

تا زمانی که برخی در ایران تلقی خاصی از مناسبات و نظم جهانی دارند و تمام تلاش و توانایی خود را بر این گذاشته‌اند که ایران را در فضای فعلی نگه دارند، مشخص است که توافقی صورت نخواهد گرفت. به عبارت بهتر، مشکل غرب با سلاح هسته‌ای نیست. پاکستان سلاح هسته‌ای دارد، اما نگرانی از بابت رفتاری خلاف قاعده و نظم حاکم بر جهان وجود ندارد. مسأله و موضع کاملاً روشن است. نه موشک و نه هسته‌ای مسأله و موضوع غربی‌ها در ارتباط با ایران نیست. مسأله این است که وقتی نظم حاکم بر جهان که غربی‌ها ایجاد کرده‌اند را قبول نداشته باشیم، به تدریج مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایجاد می‌شود و هزینه‌اش را مردم خواهند پرداخت. به دلیل اینکه نظم حاکم بر جهان را نمی‌پذیریم، با چالش روبه‌رو می‌شویم. نباید به‌گونه‌ای القا کرد که ما نظم جهانی را نمی‌پذیریم. ببینید اکنون در یمن، نظام قضائی از بین رفته است چون پولی وجود ندارد که به قضات بدهند. تجارتی در یمن وجود ندارد. دوستانی که علاقه‌ای به پذیرش نظم جهانی ندارند، این موارد را در نظر بگیرند.

> تندروها از اینکه اسنپ بک در حال اجراست خوشحال هستند. آنها به آرزوی خود می‌رسند چون تحریم‌ها باعث می‌شود فضای درونی ایران هم‌راستا با نظم جهانی نباشد و این همان خواسته تندروها در ایران است

واقعا تندروها از اینکه ایران در شرایط بدتری قرار بگیرد آگاهانه خوشحال هستند؟

بله، تندروها از اینکه اسنپ بک در حال اجراست خوشحال هستند. آنها به آرزوی خود می‌رسند چون تحریم‌ها باعث می‌شود فضای درونی ایران هم‌راستا با نظم جهانی نباشد و این همان خواسته تندروها در ایران است.

برخی اعلام می‌کنند که نباید از اسنپ بک هراسی داشت، چراکه هم‌اکنون تعداد و مقدار تحریم‌های کنونی بیش از تحریم‌های سازمان ملل قبل از پذیرش توافق وین است.

تندروهایی که فکر می‌کنند بود و نبود تحریم‌های سازمان ملل فرقی ندارد، اشتباه و مغالطه می‌کنند. تحریم‌های کنونی با تحریم‌های سازمان ملل متحد فرق دارد. تحریم‌های آمریکا برای کشورها و خصوصاً چین الزام‌آور نبوده و نیست، اما با بازگشت تحریم‌های سازمان ملل دیگر چین هم نمی‌تواند با ما معامله کند. چین در این مدت با ایران معامله می‌کرد، اما اگر تحریم‌های سازمان ملل اگر بازگردد، چین هم نمی‌تواند حتی با تخفیف‌های زیاد از ایران نفت بخرد و در مقابل برای ایران کالا تأمین کند. تحریم‌های آمریکا همیشه بوده، اما تحریم‌های سازمان ملل بود که در سال‌های پایانی دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰، اقتصاد ایران را زیر شدیدترین فشارها قرار داد. آن تحریم‌ها در پایان دولت احمدی‌نژاد اجرا شده بود، منابع زیادی در کشور داشتیم و نفت ۱۲۰ دلاری می‌فروختیم، اما با این حال اقتصاد ایران بر اثر تحریم‌ها صدمه خورد. حتی خود احمدی‌نژاد هم به آقای روحانی و یا نزدیکان ایشان اعلام کرده بود که تحریم‌ها را جدی نمی‌گرفتیم واقعیت آن است که در آن زمان ما تحریم‌ها را جدی نمی‌گرفتیم و نمی‌فهمیدیم تحریم یعنی چه. اکنون فهمیدیم که تحریم چیست. این تحریم‌ها، تحریم‌های سازمان ملل است و باید همه کشورها به آن ملزم شوند.

همین افراد که امروز افتخار می‌کنند که مانع تحقق دوباره برجام در دولت ابراهیم رئیسی شدند، بعد از فشار تحریم‌ها کاسه کوزه‌ها را سر پزشکیان خواهند شکست؟

به نظر من، آقای پزشکیان باید تصمیم بگیرد و دولت را تحویل همین آقایان بدهد. مگر این افراد نمی‌گویند که تحریم‌های سازمان ملل بر اقتصاد ایران اثرگذار نیست؟ پس این افراد می‌توانند کشور را اداره کنند. خب؛ آقای پزشکیان کنار برود و کشور را به دست افرادی بدهد که مدعی اداره کشور هستند. آقای پزشکیان وعده کاهش تحریم‌ها را داد، اما اسنپ بک در دولت ایشان در حال فعال شدن است. پزشکیان دولت را به آقای جلیلی تحویل دهد تا کشور را اداره کند.

فرشاد مومنی:

مدیران جنگ به تولید تکیه کردند؛ مدیران امروز به خام فروشی

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد اظهار داشت: سیاست‌های پس از جنگ، از شوک‌درمانی و آزادسازی واردات گرفته تا خام‌فروشی و خصوصی‌سازی‌های رانتی، نه تنها عدالت اجتماعی و بنیه تولید ملی را تضعیف کرده، بلکه کشور را به ورطه وابستگی، فقر و بحران‌های گسترده کشانده است. فرشاد مومنی بازگشت به نوآوری‌های نهادی دفاع مقدس، اولویت دادن به تولید فناورانه و پیوند توسعه با عدالت اجتماعی را تنها راه برون‌رفت پایدار از مشکلات اقتصادی امروز دانست و با اشاره به حوزه تولید و انرژی، توضیح داد: یکی از دستاوردهای بزرگ مدیریت اقتصادی در دهه ۶۰، توجه به زیرساخت‌های حیاتی مانند برق و تولید صنعتی بود. در بحبوحه جنگ و با وجود محدودیت‌های شدید منابع ارزی، دولت اجازه نداد چرخه تولید متوقف شود و پایداری شبکه برق و حمایت از صنایع مادر حفظ شد. این سیاست‌ها نه تنها موجب شد که کشور از فروپاشی اقتصادی در امان بماند، بلکه زیرساخت‌های حیاتی برای دوره بازسازی پس از جنگ نیز حفظ شد. این اقتصاددان در مقایسه با وضعیت امروز بیان کرد: وقتی امنیت برق و تولید ملی در آن شرایط بحرانی تضمین شد، معنایش این است که امروز با منابع به‌مراتب گسترده‌تر، هیچ توجیهی برای خاموشی‌های مکرر، وابستگی به واردات کالاهای اساسی و بی‌ثباتی تولید وجود ندارد. مومنی این وضعیت را نتیجه بی‌اعتنایی به تولید فناورانه و غلبه سیاست‌های کوتاه‌مدت دانست و تاکید کرد همان طور که در دفاع مقدس، اولویت به عدالت و تولید داده شد، اکنون هم راه نجات کشور از مسیر بازتعریف رابطه تولید، برق و انرژی با عدالت اجتماعی و استقلال اقتصادی می‌گذرد. وی با بیان اینکه «طنز تلخ و غم‌انگیز ماجرا این است که در دوره پس از جنگ سهم رانت منابع طبیعی همچنان رو به افزایش گذاشته و قله آن دوره منحط ریاست جمهوری احمدی‌نژاد بود که از ۴۱ درصد عبور کرد» عنوان کرد: در دوره احمدی‌نژاد، رانتی کردن اقتصاد سیاسی ایران حتی رکوردهای دوره پهلوی را هم شکست. با وجود شعارها و ادعاهای تندتر از چه گوارا و کاسترو، ایران را به حضیض سقوط بنیه تولیدی، افزایش خام‌فروشی و وابستگی ذلت‌آور به دنیای خارج کشاندند. این روند تصادفی نیست؛ هم اراده سیاسی عالمانه و صادقانه در دهه اول پس از انقلاب تصادفی نبود، و هم عموما رویه‌های پس از جنگ که کشور را به ورطه فقر و فلاکت کشاند، تصادفی نبوده است. مومنی با اشاره به گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۳ گفت: این گزارش، «هفت گناه خصوصی‌سازی» را معرفی کرده و پلیدترین آن را، فروش دارایی‌های بین‌نسلی کشور و صرف آن برای امور جاری، عنوان کرده است. برنامه تعدیل ساختاری دقیقاً این فاجعه را رقم زد و موجب کاهش شدید تعهدات دولت نسبت به رفاه و امنیت مردم شد. این شوک‌ها همزمان با خام‌فروشی و سقوط بنیه تولید ملی، اثرات ویرانگری بر اقتصاد ایران گذاشت.

ذره بین

حشمت‌ا... فلاحت‌پیشه مطرح کرد

خطر جنگ ایران و اسرائیل همچنان جدی است

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل در خصوص آثار و تبعات حمله اسرائیل به کشورهای دیگر اظهار داشت: اثرات و تبعات حمله اسرائیل به قطر را باید از چند زاویه بررسی کرد. نخستین موضوع، واکنش‌های دنیای عرب است. برای اولین بار پس از امضای قرارداد کمپ دیوید، یعنی بعد از بیش از ۴۵ سال، مشاهده می‌کنیم که مصر به عنوان پیشگام جنگ‌های اعراب با اسرائیل از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۸ میلادی، رسماً اعلام کرده است که ۲۰ هزار نیروی نظامی را برای شکل‌گیری ناتوی عربی مأمور می‌کند. این اقدام نشان می‌دهد که جهان عرب به شدت از جانب اسرائیل احساس خطر می‌کند. خبرآنلاین نوشت؛ حشمت‌ا... فلاحت پیشه گفت: نکته دوم این است که برای نخستین بار، ادبیات نظامی و امنیتی بر مواضع مقامات ترکیه و اسرائیل علیه یکدیگر شکل گرفته است.

در همین حال، جولانی، رئیس جمهور موقت سوریه، موضعی اتخاذ کرده که نشان می‌دهد موضع شخصی او نیست. او پس از چند ماه از سقوط بشار اسد، آشکارا از خیانت روسیه به اسد سخن گفت. این موضع در واقع نمایانگر هشدار آمریکا به کشورهای عربی است تا به سمت روسیه متمایل نشوند، چراکه روسیه شریک قابل اتکایی نیست.

وی افزود: به نظر من، این تحلیل درست است. روسیه همواره بازیگران مختلف را به چشم یک کارت در بازی بزرگ خود دیده است. در همین چارچوب، جولانی به نوعی بازتاب‌دهنده موضع واشنگتن بود که نباید به شرق اعتماد کرد. در عین حال، نتانیاهو عملاً در حال اجرای طرح «نیل تا فرات» در آسمان است.

او گرچه نمی‌تواند این طرح را روی زمین اجرایی کند، اما با گسترش حملات هوایی و عملیات‌های اطلاعاتی در منطقه، به دنبال تحقق آن در آسمان است. نماینده ادوار مجلس در این خصوص که برخی معتقدند به جنگ محدود بین ایران روسیه هستند بیان کرد: این نگاه چندان هم بی‌پایه نیست. چین در راهبرد امنیت ملی خود هیچ چالش نظامی با غرب تعریف نکرده است.

تنها موضوعی که برایش خط قرمز محسوب می‌شود تایوان است. چینی‌ها تا سال ۲۰۴۵ صرفاً به روابط اقتصادی با غرب فکر می‌کنند، چراکه معتقدند پس از آن، قدرت اقتصادی‌شان به حدی می‌رسد که در حوزه نظامی نیز آسیب‌پذیر نباشند. وی ادامه داد: اما روسیه سیاست متفاوتی دارد. از زمان پتر کبیر تاکنون، روسیه همواره جهان را در قبال مرزهای خود به عنوان «کارت بازی» دیده است. به همین دلیل، کشورهای عربی هیچگاه روی مسکو به عنوان یک شریک راهبردی حساب باز نمی‌کنند.

متأسفانه در ایران جریانی به دنبال «سفیدشویی» سیاست‌های روسیه است. این جریان حتی تا جایی پیش رفته که در رسانه ملی سعی می‌کند اثبات کند بازگشت قطعنامه‌ها بهتر از احیای برجام است. این نگاه خطرناک، پرونده ایران را دوباره زیر دست روسیه در شورای امنیت قرار می‌دهد؛ در حالی که تحولات جدید منطقه می‌تواند فرصتی برای ایران باشد تا بن‌بست‌های خود را رفع کند، نه اینکه خود را دوباره گرفتار بازی‌های روسیه نماید.

فلاحت پیشه در مورد نقش آمریکا در این بین بیان کرد: کشورهای عربی تصور نمی‌کردند که اسرائیل به کشوری مثل قطر حمله کند؛ زیرا همکاری‌های نظامی و امنیتی آنها با آمریکا را نوعی ضمانت امنیتی می‌دانستند.

اما این حمله نشان داد که آمریکا نمی‌تواند همه تهدیدات اسرائیل را خنثی کند. پیمان ابراهیم، که در زمان ترامپ مطرح شد، عملاً شکست خورده است. یک روز پس از حمله به قطر، نتانیاهو صراحتاً اعلام کرد که دولت مستقل فلسطین هرگز تشکیل نخواهد شد و اسرائیل به تهدیدات امنیتی در کل منطقه پاسخ نظامی خواهد داد.

وی اظهار کرد: این سخن در واقع تیر خلاص بر پیمان ابراهیم بود، زیرا اساس این پیمان ایجاد یک چتر امنیتی بین کشورهای عرب متحد آمریکا و اسرائیل بود. حالا که خود اسرائیل این چتر را تهدید می‌کند، پیمان ابراهیم دیگر معنایی ندارد. به نظر من، تا زمانی که نتانیاهو و جریان راست افراطی در قدرت باشند، اسرائیل درگیر جنگ دائمی خواهد بود و هیچ پیمان پایداری در منطقه شکل نخواهد گرفت.

جنگ در دو سطح

رئیس کمیسیون امنیت مجلس مجلس دهم در خصوص احتمال مجدد حمله اسرائیل به ایران تصریح کرد: من البته دو جا این را گفته‌ام اگر اسرائیل احساس کند آمریکا توان مدیریت پیامدهای سیاسی و امنیتی حمله به قطر را ندارد، برای جلوگیری از شکل‌گیری یک اتحاد اسلامی ممکن است اقداماتی علیه ایران یا نیروهای نزدیک به ایران انجام دهد.

برخلاف برخی تحلیل‌ها که معتقدند حمله به قطر جنگ با ایران را به تأخیر انداخته، من اعتقاد دارم خطر جنگ همچنان جدی است.

اسرائیل همواره بر این باور بوده است که اگر جنگ را به ایران و متحدانش محدود کند، می‌تواند بخش زیادی از دنیای اسلام را از درگیری دور نگه دارد. اما اگر جنگ به حوزه اعراب سنی کشیده شود، احتمال شکل‌گیری همسویی گسترده اسلامی وجود دارد. به همین دلیل، احتمال اقدامات اسرائیل علیه ایران یا نیروهای همسو همچنان بالاست.

وی در خصوص ارتباط این موضوع با توافق ایران و آژانس تاکید کرد: این موضوع بیش از آنکه به همکاری ایران با آژانس انرژی اتمی مرتبط باشد، به سازوکارهای منطقه‌ای ارتباط دارد. اسرائیل سعی می‌کند جنگ را در دو سطح تعریف کند، یکی جنگ با ایران و متحدانش و دیگری جنگ با کشورهایی نزدیک به اخوان‌المسلمین مانند قطر و ترکیه.